



ردپای شکسپیر در زخم کاری

اقتباس سریال «زخم کاری» از «مکبث» و «هملت» بسیاری از مخاطبان این سریال را به مطالعه نمایشنامه‌های شکسپیر ترغیب کرده است



گزارش علی الله سلیمی روزنامه‌نگار

شباهت‌ها در دنیای ادبیات اتفاق تازه‌ای نیست و هر اثر ادبی می‌تواند نشانه‌هایی از یک یا چند اثر ادبی دیگر را در خود داشته باشد و متقابلاً خود این اثر بعدها الهام‌بخش آثار تازه دیگری شود و این روند همچنان تداوم داشته باشد.

البته اینجا منظور شباهت‌های جزئی است، اما گاهی در ۲ یا چند اثر ادبی با نمایشی شباهت‌ها چنان زیاد است که با دیدن هر شخصیت سریال «زخم کاری»، اثری اجتماعی با داستانی پرفراز و نشیب و ملتپ است که نخستین تجربه محمدحسین مهدویان، کارگردان آشنا با آثاری چون «ایستاده در غبار»، «ماجرای نیمروز» و «لاتاری» در شبکه نمایش خانگی بود که یک‌سریال اقتباسی هم محسوب می‌شود. سریال، برگرفته از کتاب «بیست زخم‌فردا نیست» نوشته محمود حسینی‌زاد، داستان‌نویس و مترجم نام‌آشناست که در زمان انتشار این کتاب، برخی منتقدان شباهت‌های آن با نمایشنامه «مکبث» ویلیام شکسپیر را هم مطرح کردند، اما چون بازار کتاب‌های ادبی در کشور ما خیلی پرطرفدار نیست و این آثار فراگیری چندانی ندارند، موضوع تشابه قصه این رمان با نمایشنامه «مکبث» شکسپیر هم خیلی جدی و فراگیر نشد و تنها در برخی محافل ادبی و تعدادی روزنامه و خبرگزاری، مطرح و خیلی زود هم فراموش شد، اما با ساخت و پخش سری دوم سریال زخم‌کاری که البته قصه نسبتاً جداگانه‌ای هم دارد و با توجه به تعداد بالای مخاطبان در رسانه‌های دیداری، موضوع تشابه برخی شخصیت‌های این سریال با متون ادبی دویساره و این بار با حجم و وسعت گسترده‌تری سر زبان‌ها افتاده است.

اقتباس از هملت

همانطور که در عنوان‌بندی ابتدایی قسمت اول فصل دوم زخم کاری خودنمایی می‌کند، اقتباس این فصل از «هملت» شکسپیر است؛ یک تراژدی عجیب و غریب که هر نویسنده و کارگردانی را ترغیب می‌کند تا فیلمی از روی آن بسازد. آنگاه گروه نویسندگان فصل دوم به «هملت» در حد برداشت ساختار اصلی درام باشد، پس شخصیت‌های اصلی هم باید کم‌وبیش براساس نمایشنامه باشند. میثم نقش هملت را ایفا می‌کند و طلوعی در نقش کلاودیوس ظاهر می‌شود که باید عاشق ملکه گر ترو (سمیرا) باشد. آن وقت پدر هملت را در فیلمنامه فصل دوم باید مالک بدانیم که در نمایشنامه در حد خواب‌شاهزاده ظاهر می‌شود و نقش چندانی در پیشبرد حوادث ندارد. نتیجه این می‌شود که جواد عزتی حضور برجسته و محوری در فصل دوم ندارد؛ مگر اینکه نویسندگان برای او نقش تأثیرگذاری نوشته باشند؛ همانطور که نویسندگان فصل اول «منصوره» را که در ساختار اصلی نمایشنامه «مکبث» حضور ندارد، به یکی از کاراکترهای محوری فیلمنامه تبدیل کردند؛ تا جایی که قتل مالک توسط او صورت می‌گیرد. در هر صورت نمای پایانی قسمت اول فصل دوم و البته تماس مشکوکی که در فصل دستگیری ناصر با دستمالچی گرفته می‌شود گواهی است بر این ادعا که مالک زنده است و نقش اصلی فصل دوم هم برعهده اوست.

گریز از شباهت با تغییر مسیر قصه

در تیتراژ سری اول سریال زخم کاری، بر موضوع شباهت‌های این سریال با تراژدی «مکبث» ویلیام شکسپیر اشاره شده بود؛ یعنی علاوه بر تأکید بر اقتباس سری اول سریال زخم‌کاری از رمان بیست زخم‌کاری محمود حسینی‌زاد، به شباهت این قصه با نمایشنامه مکبث شکسپیر هم تأکید ضمنی شده بود. حالا در ساخت سری جدید این سریال، ظاهرآ روند قصه سریال تا حدودی تغییر کرده و سمت‌وسوی ماجراها، زاویه دیگری را نشانه رفته و «هملت» شکسپیر، منبع الهام قصه تازه سریال شده است. با این حال، گزارش حاضر، نگاهی به شباهت‌ها و تفاوت‌های سری اول سریال زخم‌کاری با نمایشنامه مکبث ویلیام شکسپیر دارد که هنوز سؤال‌های بسیاری را در ذهن بینندگان سری اول این سریال جا گذاشته و آنهایی که علاقه‌مند هستند سری جدید این سریال را دنبال کنند دوست دارند بدانند شباهت‌ها و تفاوت‌ها در شکل‌گیری قصه اولیه این سریال به چه شکل بوده و آیا با حدس و گمان‌های آنها همسو هست یا نه.

مکبث خود شبیه آثار دیگران

قبل از اینکه بخواهیم ردپای تراژدی مکبث در سری اول سریال زخم‌کاری را جست‌وجو کنیم، بد نیست بدانید خود نمایشنامه مکبث، ردپای آثار زیادی را در خود دارد که اغلب این آثار در نوسوع و زمانه خود مطرح و قابل توجه بوده‌اند. ویلیام شکسپیر، مکبث را از رویدادنامه هالینشند برگرفته است. خود هالینشند هم این رویدادها را از تاریخ‌نامه شخصی به نام هکتور بوسی نوشته و او هم تاریخ‌نامه‌اش را براساس نوشته‌های تاریخ‌گذاران قرن چهاردهم میلادی به تحریر درآورده است. درواقع مکبث نمی‌تاریخی است و نیمی خیال‌پردازانه که البته در نوع خود شاهکاری است که بعدها منبع و الهام‌بخش آثار ادبی و نمایشی متعددی شده و همچنان یکی از متن‌های پرطرفدار در جهان است. با این حال و با توجه به نیمی تاریخ و نیمی تخیلی بودن این اثر، آنچه در واقعیت وجود داشته این است که مکبث، سه‌سالار اسکاتلند، دانکن شاه اسکاتلند را کشته و خودش ملکم پسر او را کنار زده و در سال ۱۰۴۰ بر تخت پادشاهی نشسته است. در پایان هم به‌دست ملکم، پسر دانکن کشته شده است. سایر وقایع، شاخ و برگ‌هایی است که رفته‌رفته به آن اضافه شده است.

با حادثه‌ای، مخاطب به یاد شخصیت یا حادثه مشابهی در اثر دیگری می‌افتد و اینجاست که موضوع تشابه ۱۲، خود به سوزه تازه‌ای در میان مخاطبان و اهالی رسانه تبدیل می‌شود؛ موضوعی که با تولید و پخش سری اول سریال «زخم کاری» ساخته محمدحسین مهدویان، رزم‌مه‌های آن شنیده شد؛ نقدها، یادداشت‌ها و گزارش‌هایی درباره اینکه زخم‌کاری برگرفته از «مکبث» اثر معروف «شکسپیر» است.

حالا با تولید و پخش سسری دوم این سریال، موضوع شباهت‌ها در این سریال دوباره سر زبان‌ها افتاده است؛ چراکه سازندگان فیلم در تیتراژ فصل دوم به این موضوع اشاره کرده‌اند که سریال با نگاهی به «هملت» شکسپیر ساخته شده است.

شباهت‌های ریزآبادی و پادشاه دانکن

در سری اول سریال «زخم کاری»، شخصیت نعمت ریزآبادی، شخصیتی به‌نام مالک مالکی را مأمور می‌کند تا برای قرارداد مهم نفتی با «نروژی‌ها» مذاکره کند. حالا این جایگاه شخصیت‌ها در سریال زخم‌کاری سری اول را مقایسه کنید با نمونه‌های مشابه در «مکبث» که شخصیت پادشاه دانکن زمان حمله «نروژی‌ها» به اسکاتلند، مکبث را رهبر جنگ با «روژی‌ها» می‌کند. در ادامه قصه، ریزآبادی بعد از موفقیت مالک در عقد قرار داد با نروژی‌ها مدیریت هلدینگ در کیش و دومی را به مالک می‌دهد. حالا این بخش را مقایسه کنید با مکبث که در آن، دانکن بعد از پیروزی مکبث در جنگ با نروژی‌ها، اداره کودور را به او پیشکش می‌کند. کمی جلوتر می‌رویم؛ در زخم کاری، ریزآبادی بعد از عقد قرارداد، خودش را به ویلای مالک دعوت می‌کند تا جشن بگیرد. در مکبث، دانکن برای جشن گرفتن پیروزی اسکاتلند، خود را برای جشن به دیار مکبث دعوت می‌کند. سرانجام اینکه در زخم کاری، ریزآبادی توسط مالک و به تحریک سمیرا (همسرش) در ویلای آنها به قتل می‌رسد. دانکن توسط مکبث و به تحریک لیدی مکبث در دیار آنها به قتل می‌رسد.



مالک و مکبث

شباهت شخصیت‌های مالک و مکبث هم قابل توجه است. مالک به تحریک سمیرا تصمیم به قتل می‌گیرد و مکبث هم تحت‌تأثیر همسرش دست به قتل دانکن می‌زند. مالک بعد از قتل ریزآبادی درگیر توهم می‌شود و مدام حالت تهوع دارد و مکبث هم بعد از قتل دانکن، گرفتار عذاب وجدان می‌شود و هر صدا و هر در کوفتنی او را می‌ترساند. مالک بعد از قتل ریزآبادی، دست به قتل نجفی و... هم می‌زند و مکبث هم بعد از قتل دانکن، برای فاش نشدن راز قتل، دست به قتل‌های بعدی می‌زند.

چهره خبر



جشنواره میراث فرهنگی

علیرضا تابش، دبیر دومین جشنواره ملی چندرسانه‌ای میراث فرهنگی: بخش کتاب و پایان‌نامه، در این دوره به جشنواره ملی چندرسانه‌ای میراث فرهنگی اضافه شده است. پدیدآورندگان و ناشران از سراسر کشور می‌توانند کتب و پایان‌نامه‌هایی را که از فروردین ۱۴۰۰ تا شهریور ۱۴۰۲ منتشر شده، همراه با فرم ثبت‌نام به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند. با توجه به اهمیت تولیدات مکتوب به زبان‌های خارجی برای معرفی میراث فرهنگی ایران زمین، در این جشنواره به کتاب غیرفارسی امتیاز ویژه داده می‌شود.

علاوه بر این روایت‌ها و حکایت‌های بسیاری از پیامبر خوبی‌ها، حضرت محمد(ص) و اصحاب و پیروانش در متون کهن و اسلامی به یادگار مانده که هر یک از آنها به مثابه درس و عبرتی برای ساخت یک زندگی سعادت‌تمند در روزگار معاصر است و می‌تواند به‌عنوان راهگشای خوب و مؤثری برای عبور از انواع بحران‌های اندیشه‌ای و هویتی عمل کند.

از سوی دیگر، برخی از این روایت‌ها و حکایت‌ها، ظرفیت و زمینه مناسبی برای خلق متون ادبی جدید دارد و قابل بازآفرینی به زبان امروزی است و در صورت بهره‌گیری خلاقانه از ظرفیت‌های زبان و ادب فارسی، آثار جدید بازآفرینی شده از این متون کهن و اسلامی می‌تواند مخاطبان گسترده‌ای در روزگار مصادشته باشد. از

فعالیت‌های مؤثر و قابل توجه در این زمینه، نوشتن داستان‌های امروزی براساس روایت‌ها و حکایت‌های کهن و اسلامی است که تالیف و انتشار کتاب «مردی از بهشت» به قلم محمد بکایی، نمونه‌ای از این نوع فعالیت‌های خلاقانه و خواندنی است. در این کتاب، ۳ داستان براساس ۳ روایت به یادگار مانده از اطرافیان پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) بازآفرینی و تالیف شده که هر یک گوشه‌ای از سلوک رفتاری و جاذبه شخصیت پیامبر اسلام(ص) را روایت می‌کند. در داستان اول کتاب با عنوان «مردی از بهشت» که عنوان کتاب هم از آن برگرفته شده، سرگذشت مردی به نام «عبدالله» روایت می‌شود که در مسجدهای شهر مدینه که پیامبر اسلام(ص) هم در آن حضور دارد، از آن حضرت فرمایشی می‌شنود که نوید می‌دهد: «حالا از میان این راه، مردی از اهل بهشت بر شما وارد خواهد شد!» عبدالله کنجکاو این فرمایش رسول خدا(ص) می‌شود و مردی را که وارد مسجد می‌شود زیرنظر می‌گیرد اما ویژگی و رفتار متفاوتی در او نمی‌بیند. برای غلبه بر کنجکاوای خود، مرد را در بیرون از مسجد دنبال می‌کند و با معرفی خود به عنوان غریبه‌ای در شهر، ۳ شبانه‌روز مهمان آن مرد می‌شود و در این مدت هم همه رفتارها و حرکات مرد را زیرنظر می‌گیرد اما باز هم مورد متفاوتی در رفتار و کردار آن مرد نمی‌بیند. بنابراین، نیت مخفیانه خود را آشکار می‌کند و آنچه را در دل دارد برای مرد می‌گوید. پاسخ ساده اما تأمل‌برانگیز مرد، عبدالله را با حقیقت نرفته در شخصیت مرد مواجه و دچار بازاندیشی در تفکرات پیشین خود می‌کند. وقتی عبدالله از آن مرد می‌پرسد تو چه کرده‌ای که پیامبر اسلام(ص) آنگونه به نیکی از شما یاد می‌کند، مرد می‌گوید: «هیچ نکرده‌ام، جز آنچه در ایسن ۳ روز دیدی!» عبدالله که هنوز پاسخ قانع‌کننده و دلخواه خود را نیافته، اصرار می‌کند و مرد این بار می‌گوید: «هیچ، مگر همان که دیدی و یک چیز دیگر...» و آن یک چیز دیگر، عبدالله را بی‌تاب نشینان راز محبوبیت مرد در نظر پیامبر اسلام(ص) می‌کند. مرد می‌گوید: «اینکه

هیچ وقت به هیچ مسلمانی حسادت نکرده‌ام و نمی‌کنم. هیچ‌گاه از خبری که خدا به آنها عنایت کرده است انزاح نکرده‌ام و از هیچ کدام‌شان کینه‌ای در دل ندارم.» عبدالله با شنیدن این جملات از زبان مرد با خود می‌گوید و این چیزی است که هر کس طاقش را ندارد. داستان در ظاهر با این رازگشایی از زبان مردی که پیامبر اسلام(ص) او را «مردی از بهشت» نامیده بود به پایان می‌رسد اما عملاً در ذهن مخاطبان همچنان تداوم پیدا می‌کند و خواننده به آن فرمایش رسول خدا(ص) فکر می‌کند که چگونه می‌شود با رعایت برخی نکات اخلاقی و انسانی، مردی از بهشت بود و در عین حال، ساده و با آرامش خیال زندگی کرد.

داستان دوم کتاب با عنوان «خستین تلاوت»، به رفتار محبت‌آمیز پیامبر اسلام(ص) با فرودستان جامعه می‌پردازد. عبدالله بن مسعود، زمانی که چوپان و غلام «قعبه بنی معیط» بوده، کرامتی از پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) دیده که نگاهش به زندگی تغییر کرده است. او حاضر می‌شود مقابل کعبه بایستد و در برابر بزرگان قریش قرآن بخواند. عبدالله بن مسعود بعد از عمل شجاعانه به این تصمیم، از سوی بزرگان قریش تنبیه می‌شود و کتک می‌خورد اما در دش خرسنداست که تحولی در زندگی‌اش ایجاد شده و حس‌رهایی و آزادی خود را مدیون پیامبر اسلام(ص) می‌داند. داستان سوم کتاب با عنوان «صدوق‌هایی» هم درباره مردی به نام خدا(ص) بود. مردان قریشی مانع تصمیم او می‌شوند اما صهیب با بخشیدن اموالش به‌سمت یزرب حرکت می‌کند.

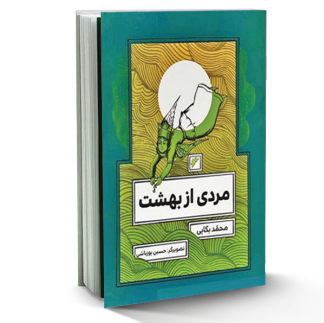
کتاب «مردی از بهشت» نوشته محمد بکایی با تصویرگری حسین یوزباشی، در ۲۵۲صفحه با شمارگان ۲۰۰۰تسه‌خه و قیمت ۳۰۰۰تومان از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ و منتشر شده است.

یادداشت

یادداشتی بر کتاب «مردی از بهشت»

نوشته محمد بکایی

۳ روایت از جاذبه‌های رفتاری پیامبر اسلام ص



روایت‌ها و حکایت‌های بسیاری از پیامبر خوبی‌ها، حضرت محمد(ص) و اصحاب و پیروانش در متون کهن و اسلامی به یادگار مانده که هر یک از آنها به مثابه درس و عبرتی برای ساخت یک زندگی سعادت‌تمند در روزگار معاصر است و می‌تواند به‌عنوان راهگشای خوب و مؤثری برای عبور از انواع بحران‌های اندیشه‌ای و هویتی عمل کند.

از سوی دیگر، برخی از این روایت‌ها و حکایت‌ها، ظرفیت و زمینه مناسبی برای خلق متون ادبی جدید دارد و قابل بازآفرینی به زبان امروزی است و در صورت بهره‌گیری خلاقانه از ظرفیت‌های زبان و ادب فارسی، آثار جدید بازآفرینی شده از این متون کهن و اسلامی می‌تواند مخاطبان گسترده‌ای در روزگار مصادشته باشد. از

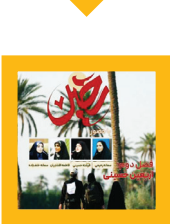
فعالیت‌های مؤثر و قابل توجه در این زمینه، نوشتن داستان‌های امروزی براساس روایت‌ها و حکایت‌های کهن و اسلامی است که تالیف و انتشار کتاب «مردی از بهشت» به قلم محمد بکایی، نمونه‌ای از این نوع فعالیت‌های خلاقانه و خواندنی است. در این کتاب، ۳ داستان براساس ۳ روایت به یادگار مانده از اطرافیان پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) بازآفرینی و تالیف شده که هر یک گوشه‌ای از سلوک رفتاری و جاذبه شخصیت پیامبر اسلام(ص) را روایت می‌کند. در داستان اول کتاب با عنوان «مردی از بهشت» که عنوان کتاب هم از آن برگرفته شده، سرگذشت مردی به نام «عبدالله» روایت می‌شود که در مسجدهای شهر مدینه که پیامبر اسلام(ص) هم در آن حضور دارد، از آن حضرت فرمایشی می‌شنود که نوید می‌دهد: «حالا از میان این راه، مردی از اهل بهشت بر شما وارد خواهد شد!» عبدالله کنجکاو این فرمایش رسول خدا(ص) می‌شود و مردی را که وارد مسجد می‌شود زیرنظر می‌گیرد اما ویژگی و رفتار متفاوتی در او نمی‌بیند. برای غلبه بر کنجکاوای خود، مرد را در بیرون از مسجد دنبال می‌کند و با معرفی خود به عنوان غریبه‌ای در شهر، ۳ شبانه‌روز مهمان آن مرد می‌شود و در این مدت هم همه رفتارها و حرکات مرد را زیرنظر می‌گیرد اما باز هم مورد متفاوتی در رفتار و کردار آن مرد نمی‌بیند. بنابراین، نیت مخفیانه خود را آشکار می‌کند و آنچه را در دل دارد برای مرد می‌گوید. پاسخ ساده اما تأمل‌برانگیز مرد، عبدالله را با حقیقت نرفته در شخصیت مرد مواجه و دچار بازاندیشی در تفکرات پیشین خود می‌کند. وقتی عبدالله از آن مرد می‌پرسد تو چه کرده‌ای که پیامبر اسلام(ص) آنگونه به نیکی از شما یاد می‌کند، مرد می‌گوید: «هیچ نکرده‌ام، جز آنچه در ایسن ۳ روز دیدی!» عبدالله که هنوز پاسخ قانع‌کننده و دلخواه خود را نیافته، اصرار می‌کند و مرد این بار می‌گوید: «هیچ، مگر همان که دیدی و یک چیز دیگر...» و آن یک چیز دیگر، عبدالله را بی‌تاب نشینان راز محبوبیت مرد در نظر پیامبر اسلام(ص) می‌کند. مرد می‌گوید: «اینکه

هیچ وقت به هیچ مسلمانی حسادت نکرده‌ام و نمی‌کنم. هیچ‌گاه از خبری که خدا به آنها عنایت کرده است انزاح نکرده‌ام و از هیچ کدام‌شان کینه‌ای در دل ندارم.» عبدالله با شنیدن این جملات از زبان مرد با خود می‌گوید و این چیزی است که هر کس طاقش را ندارد. داستان در ظاهر با این رازگشایی از زبان مردی که پیامبر اسلام(ص) او را «مردی از بهشت» نامیده بود به پایان می‌رسد اما عملاً در ذهن مخاطبان همچنان تداوم پیدا می‌کند و خواننده به آن فرمایش رسول خدا(ص) فکر می‌کند که چگونه می‌شود با رعایت برخی نکات اخلاقی و انسانی، مردی از بهشت بود و در عین حال، ساده و با آرامش خیال زندگی کرد.

داستان دوم کتاب با عنوان «خستین تلاوت»، به رفتار محبت‌آمیز پیامبر اسلام(ص) با فرودستان جامعه می‌پردازد. عبدالله بن مسعود، زمانی که چوپان و غلام «قعبه بنی معیط» بوده، کرامتی از پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) دیده که نگاهش به زندگی تغییر کرده است. او حاضر می‌شود مقابل کعبه بایستد و در برابر بزرگان قریش قرآن بخواند. عبدالله بن مسعود بعد از عمل شجاعانه به این تصمیم، از سوی بزرگان قریش تنبیه می‌شود و کتک می‌خورد اما در دش خرسنداست که تحولی در زندگی‌اش ایجاد شده و حس‌رهایی و آزادی خود را مدیون پیامبر اسلام(ص) می‌داند. داستان سوم کتاب با عنوان «صدوق‌هایی» هم درباره مردی به نام خدا(ص) بود. مردان قریشی مانع تصمیم او می‌شوند اما صهیب با بخشیدن اموالش به‌سمت یزرب حرکت می‌کند.

کتاب «مردی از بهشت» نوشته محمد بکایی با تصویرگری حسین یوزباشی، در ۲۵۲صفحه با شمارگان ۲۰۰۰تسه‌خه و قیمت ۳۰۰۰تومان از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ و منتشر شده است.

دریچه



پخش «رحیل» از شبکه کتاب

فصل دوم ویژه‌برنامه رحیل در ۴ قسمت و معرفی کتاب با موضوع سفرنامه اربعین و شعر خوانی از ۱۹شهریور ۱۴۰۲ روی آنتن رفته و تا ۲۵شهریورماه از طریق شبکه کتاب، رسانه‌های ملی و مجازی معتبر پخش می‌شود.

به گزارش همشهری، رحیل، ویژه‌برنامه‌ای است که فصل‌های مختلف آن در مناسبت‌های مذهبی و ملی تولید و پخش می‌شود. بر این اساس، فصل دوم ویژه‌برنامه «رحیل» با تهیه‌کنندگی سمانه خلف‌زاده، با حضور اشرفی و با شعر خوانی سمانه رحیمی، فاطمه افشاریان، سمانه خلف‌زاده و سیده فرشته حسینی‌زاد ۴ قسمت تهیه و تولید شده است. همچنین کتاب‌های «خس بی‌سر و پا» نوشته حمید حسام، «پیاده تا خورشید» اثر علیرضا خورشید، «پادشاهان پیاده» اثر یحیازاد دانشگر و محمدعلی جعفری و «به صحرا شدم عشق باریده بود» نوشته غلامعلی حدادعامل معرفی می‌شوند. علاقه‌مندان می‌توانند این ویژه‌برنامه را هر روز، ساعت ۱۲:۳۰ و با ریزپخش آن را ساعت ۲۱:۳۰ از آدرس ketab.tv مشاهده کنند.